آموزه های تربیتی پیامبر اسلام

شهروزی، فرحناز

ء از نظر علم روان‏شناسی، پدر و مادر باید محیطی را برای کودک فراهم آورند که وی ازنظر محبت احساس کمبود نکند. محبت در حد متعادل، مفید، ضروری و سازنده است. افراط و تفریط در محبت‏ورزی تأثیر نامطلوبی بر رشد شخصیت کودکان می‏گذارد و جریان طبیعی رشد را مختل می‏کند.

ء در آموزه‏های تربیتی رسول‏اکرم(ص) به اهمیت بازی و نقش آن در رشد اطفال بسیار توجه شده است. آن حضرت تأکید می‏کند: «هر کس را کودکی در کنار است باید با وی چون کودکان همبازی شود.»

ء نبی گرامی اسلام نه‏تنها سفارش می‏فرماید کودکان را برای بازی آزاد بگذارید بلکه توصیه کرده‏اند والدین با فرزندان خود به بازی بپردازند.

ء اسلام به تفاوت‏های فردی و تأثیر آن بر جوامع انسانی توجه دارد. در قرآن کریم آمده است: ما انسان‏ها را به‏گونه‏ای خلق کردیم که خلقت آنها موجب بازشناسی ایشان از یکدیگر شود. پیامبرخدا(ص) در بیان تفاوت‏های شخصیتی انسان‏ها می‏فرماید: «استعدادهایی که در درون مردم نهفته است، همچون معادن طلا و نقره با یکدیگر تفاوت دارد.»

ء تأکید پیامبر اکرم(ص) بر انتخاب همسر شایسته نشان می‏دهد که اسلام به تأثیر عوامل ارثی در رشد و تکوین شخصیت فرد توجه دارد و براساس آموزه‏های دینی اسلام، توصیه‏هایی در این زمینه ارایه می‏کند.

آموزه‏های تربیتی پیامبر اسلام(ص)

از دیدگاه اسلام، انسان موجودی اجتماعی و تربیت‏پذیر است که رشد و تعالی وی در متن جامعه صورت می‏گیرد، از این‏رو توصیه‏های اخلاقی و تربیتی خاصی برای ظهور استعدادها و توانایی‏های انسان ارایه کرده است.

پیامبر اسلام(ص) ضمن توجه به توصیه‏ها و رهیافت‏های تربیتی اسلام، با سخنان و سیره عملی خود راه رشد و تعالی را به پیروانش نمایانده و با آموزه‏های تربیتی و اخلاقی‏اش امکان تربیت یکایک افراد و تأمین سلامت روحی و روانی جامعه را فراهم آورده است.

رهیافت‏های جدید علم روان‏شناسی بر بسیاری از توصیه‏های تربیتی و اخلاقی پیامبر(ص) صحه گذاشته است که این امر موءید اهمیت آموزه‏های تربیتی پیامبر اسلام(ص) است.

در این نوشتار، توصیه‏های تربیتی پیامبراسلام(ص) و برخی از یافته‏های دانش روان‏شناسی مورد بررسی قرار گرفته است.

مراحل رشد از دیدگاه اسلام

در اصطلاح روان‏شناسی، شخصیت مجموعه‏ای از صفات، عقاید، عادات و افکار شخصی است که چون با هم ترکیب شود وحدتی خاص به وجود می‏آورد. شکل‏گیری شخصیت انسان، حاصل رشد و تربیت وی در مراحل قبل و بعد از تولد است. (1)

روان‏شناسان به همه تغییرات و تحولاتی که از زمان تشکیل سلول تخم تا هنگام مرگ انسان روی می‏دهد و نیز به شکوفایی استعدادها، خصایص و نیروهای ذاتی موجودات، رشد می‏گویند.(2)

آنان رشد را حاصل تعامل و اشتراک طبیعت (فطریات و غرایز انسان) و تربیت فرد می‏دانند و معتقدند بر رشد انسان‏ها تفاوت‏های فردی حاکم است. علمای روان‏شناسی، تربیت را ایجاد تغییر در فرد دانسته، کسی را که تغییرات مطلوب داشته باشد، تربیت شده می‏نامند.

از نظر اسلام تربیت به معنی شناخت فطرت خداجوی انسان و سوق دادن او در جهت ظهور استعدادهایش برای سعادتمندی در جامعه و تقرب به خداست. اسلام، رسیدن به کمال و خداشناسی را نشانگر رشد و تعالی انسان می‏داند.

رشد انسان در دو مرحله قبل و بعد از تولد صورت می‏گیرد. از دیدگاه اسلام مراحل قبل از تولد شامل: نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم و انشاء(3). و مراحل رشد پس از تولد شامل: مراحل سیادت، اطاعت و وزارت(4) است. قرآن ابتدای خلقت انسان را از خاک دانسته است و با تعابیری چون: حماءمسنون، سلاله من طین و صلصال کالفخار، منشاء پدید آیی او را مورد اشاره قرار می‏دهد. آنگاه خداوند از روح خویش بر این موجود خاکی می‏دمد و او را برترین مخلوق خویش قرار می‏دهد.

عوامل موءثر بر رشد و تکوین شخصیت قبل از تولد

از دیدگاه اسلام، فرزند انسان مانند ثمره و میوه درخت است. همانگونه که ثمره درخت، عصاره، ویژگی‏ها و خصایص درخت را در خود جمع کرده است، فرزند انسان نیز خصایص و خصوصیات جسمی، رفتاری و شخصیتی والدین خود را به ارث می‏برد. پیامبر اسلام(ص) می‏فرماید: «هر درختی میوه‏ای دارد و میوه دل فرزند است»(5) اسلام همچنین به تفاوت‏های فردی و تأثیر آن بر جوامع انسانی توجه کرده است. در قرآن آمده است: «ما انسان‏ها را به‏گونه‏ای خلق کردیم که خلقت متفاوت آنها موجب بازشناسی ایشان از یکدیگر شود. پیامبر(ص) در بیان تفاوت‏های شخصیتی انسان‏ها می‏فرماید: «استعدادهایی که در درون مردم نهفته است، همچون معادن طلا و نقره با یکدیگر تفاوت دارد.»(6)

در علم روان‏شناسی نیز به تفاوت‏های فردی توجه شده است. بسیاری از روان‏شناسان بر این باورند که تفاوت‏های فردی اعم از تفاوت‏های جسمی و ظاهری (قد، وزن، رنگ، چهره و...)، صفات شخصیتی و خصایص رفتاری منحصر به فرد انسان، تحت تأثیر دو عامل وراثت و محیط است. از میان این دو عامل، وراثت تأثیر بیشتری بر روند رشد در دوران جنینی می‏گذارد. انسان‏ها ساخته پدر، مادر و اجدادشانند و بسیاری از خصوصیات جسمی، عقلی و روانی آنها را از طریق ژن‏های عامل وراثت به ارث می‏برند.(7) توارث از طریق متابولیسم اثر مهمی در تکوین شخصیت انسان می‏گذارد، اما این شخصیت متابولیسمی تحت تأثیر عوامل محیطی است که به طور کامل پرورش می‏یابد. در این اسلام نسبت به تأثیر ویژگی‏های شخصیتی والدین بر فرزندان توجه بسیاری شده است و پیامبر(ص) درمورد انتخاب همسر و ازدواج به مسلمانان، توصیه‏های خاصی است. پیامبر(ص) به یاران خود فرموده: «ای مردم از خضراء الدمن» «گیاهان روییده در خرابه» و بپرهیزید. سوءال شد: ای رسول خدا خضراءالدمن چیست؟ فرمود: زن زیبارویی که در خانواده‏ای فاسد رشد کرده است.(8) همچنین پیامبر می‏فرماید: «ازدواج با زن احمق بپرهیزید. زیرا همنشینی با او تباهی است و فرزندان او، کفتار صفت‏اند.(9)» تأکید پیامبر(ص) بر انتخاب همسر شایسته نشان می‏دهد که اسلام به تأثیر عوامل ارثی در رشد و تکوین شخصیت فرد توجه دارد و براساس آموزه‏های فردی از طریق وراثت به فرزندان منتقل می‏شود و در این میان، نقش مادر در انتقال صفات ارثی و تربیت کودک از اهمیت بیشتری برخوردار است. پایه‏های شقاوت و سعادت انسان از همان دوران جنینی گذاشته می‏شود، زیرا خشم و کینه، افکار و اندیشه‏ها، حالات روحی و اخلاقی و حتی تغذیه مادر بر جنین اثرهای مثبت و منفی برجای می‏گذارد.

عوامل موءثر بر رشد و تکوین شخصیت بعد از تولد

از دیدگاه اسلام، رشد انسان پس از تولد در چند مرحله متوالی صورت می‏گیرد. از پیامبر(ص) در این زمینه روایت شده: «فرزند تو هفت سال آقا، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. اگر تا سن بیست و یک سالگی، خوی و خصلت‏هایش را پسندیدی که خوب وگرنه او را به حال خویش رها کن، زیرا تو در پیشگاه خداوند معذوری.(10)»

از نظر پیامبر(ص) مراحل رشد کودک در سه دوره سیادت، اطاعت و وزارت قابل تقسیم‏بندی است. در هر یک از این مراحل با توجه به شرایط سنی کودک و نوجوان باید آداب و تعالیمی خاص را به وی آموخت و انتظارات مشخصی از او داشت.

دوره سیادت یا نونهالی

این مرحله از رشد، از بدو تولد آغاز می‏شود و تا سن هفت‏سالگی ادامه می‏یابد. روان‏شناسان این دوره را که مراحل نوزادی، طفولیت و خردسالی را دربر می‏گیرد، دوره نونهالی می‏نامند. پیامبراکرم(ص) این مرحله را سن سیادت و آقایی کودک دانسته و پدر و مادر را موءظف به رفع نیازهای مادی و روانی کودک کرده و برایشان تکالیفی مقرر کرده است. مهمترین وظیفه‏ای که اسلام بر عهده مادران گذاشته، شیر دادن به نوزاد است. تغذیه با شیر مادر علاوه بر تأمین سلامت جسمی کودک، در سلامت روحی و روانی او نیز موءثر است. از پیامبر(ص) روایت شده: «برای کودک، شیری بهتر از شیر مادر نیست(11) پیامبر(ص) تغذیه با شیر مادر را در انتقال خصایص شخصیتی و وراثتی به فرزندان موءثر می‏داند و در این زمینه می‏فرماید: «زنان کم‏خرد را به دایگی برنگزینید، زیرا فرزند با شیر، رشد می‏کند.»

از دیگر تکالیفی که اسلام برعهده پدر و مادر گذارده و موءید حقوق فردی و اجتماعی کودک است، می‏توان به نامگذاری کودک اشاره کرد.

از پیامبر(ص)روایت شده:«نخستین کاری که آدمی درباره فرزند خود انجام می‏دهد این است که نام نیکو بر او نهد. (12) همچنین پیامبر(ص) می‏فرماید:«حق پدر بر فرزندش این است که نام نیکو برایش انتخاب کند، خوب تربیتش کنند، شغل و حرفه خوبی به او بیاموزد (13).

تربیت کودک در دوره سیادت، از دیگر مواردی است که اسلام توجه خاصی به آن مبذول داشته و توصیه‏های بسیاری نیز دراین خصوص نقل شده است. محبت یکی از احتیاجات اساسی کودک و از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر تربیت روحی و روانی وی است.

کودک، عشق، محبت و علاقه را درکانون خانواده می‏آموزد. در اسلام درمورد محبت و مهربانی کردن به کودکان، بسیار سفارش شده است. پیامبر(ص) به مسلمانان توصیه می‏فرمایند:«کودکان را دوست بدارید و با آنها مهربان باشید (14) همچنین می‏فرماید:«محبت به فرزند، همچون محبت به والدین است و خداوند کسی را که به فرزند علاقه بیشتری داشته باشد، رحمت می‏فرستد.»از پیامبرنقل شده: نگاه محبت‏آمیز پدر به صورت فرزند، عبادت است و روش پیامبر(ص) درخانواده‏اش این بود که هر روز صبح دست محبت بر سر فرزندان خود می‏کشید و حسن و حسین (ع) را می‏بوسید. (15)

پیامبر(ص) فرموده است:«هر که فرزند خود را ببوسد، خداوند عزوجل برای او یک ثواب می‏نویسد و هر که فرزندش را شاد کند، خداوند در روز قیامت او را شاد می‏سازد و هر که به او قرآن بیاموزد، در روز قیامت پدر ومادرش فراخوانده می‏شوند و به هر دو، جامه‏ای پوشانده می‏شود که به درخشش صورت بهشتیان می‏درخشد. (16)

براساس تجربیات و مشاهدات روان شناختی، نیاز به محبت درسراسر زندگی فرد بخصوص درسال‏های اولیه زندگی نقش اساسی در موفقیت و شکل‏گیری شخصیت انسان دارد. رشد و سلامت شخصیتی کودک به همان اندازه که به نیازهای جسمانی وابسته است به محبت نیز بستگی دارد. فقدان محبت، بویژه کمبود محبت مادری، تأثیرات عمیقی بر کودکان می‏گذارد.

کودکانی که از محبت سیراب شده باشند،بهتر می‏توانند با دیگران ارتباط برقرار کرده و با همنوعان خودسازگاری داشته باشند. از دیدگاه علم روان‏شناسی، پدر و مادر باید شرایطی را برای کودک فراهم آورند که او از نظر محبت نه احساس کمبود کند و نه دچار افراط گردند. محبت درحد مناسب و متعادل، مفید، ضروری و سازنده است. افراط و تفریط در محبت تأثیرات نامطلوبی بر رشد شخصیت کودکان می‏گذاردو روند طبیعی رشد را دچار اختلال می‏کند. (17)

از دیگر آموزه‏های پیامبر(ص) درمورد فرزندان این است که در رفتار با کودکان و محبت ورزیدن به ایشان، عدالت را رعایت نمایید. تبعیض میان کودکان و مقایسه آنان با سایر کودکان، موجب آزار فرزندان و تقویت حس حقارت در آنان می‏شود. از این رو، پیامبر (ص) توصیه می‏کنند:«میان فرزندان خود در عطا و بخشش به عدالت رفتار کنید (18) همچنین می‏فرماید:«حق فرزندانت بر تو این است که میان ایشان به عدالت رفتار کنی، چنان که حق تو بر آنان این است که از تو اطاعت کنند. (19) و نیز توصیه می‏کنند: نه تنها در دادن چیزی میان فرزندان فرقی نگذارید، بلکه در محبت به آنها و بوسیدنشان نیز به عدالت رفتار کنید. تنها تفاوتی که پیامبر(ص) در مورد فرزندان قایل شده، درمورد دختران است. پیامبر دختران را دلسوز، مددکار و با برکت می‏داند و می‏فرماید:«چه خوب فرزندانی‏اند دختران پرده نشین. هر کسی یکی از اینها را داشته باشد. خداوند او را برایش پرده‏ای در برابر آتش دوزخ قرار می‏دهد. بی‏توجهی به دختران از سنت‏های جاهلی بود. چنان که در قرآن آمده:« و از هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده آوردند. چهره‏اش سیاه گردد و درحالی که خشم و اندوه خود را فرو می‏خورد. از بدی آن چه به او بشارت داده شده از قبیله خود روی می‏پوشاند. آیا او را با خواری نگاه دارد یا درخاک پنهانش کند و چه بد داوری می‏کنند (21)» پیامبر(ص) براساس آموزه‏های قرآنی، این سنت جاهلی را مردود اعلام کرد و با توصیه‏های تربیتی و سیره عملی‏اش در برخورد با زنان تلاش کرد جایگاه والایی برای زنان در جامعه عربی ایجاد نماید،از این رو خطاب به مسلمانان می‏فرمایند:«دختران را ناخوش ندارید. زیرا آنها مونس‏های شما هستند. (22) پیامبر(ص) به خوبی آگاه بودند که دختران موجوداتی شکننده و آسیب پذیرند و در بذل محبت به ایشان باید توجه بیشتری داشت. از این رو، به اصحابش توصیه می‏کند: در بذل محبت و دادن هدیه لازم است دختران را بر پسران مقدم داشت.(23)

اسلام همچنین به تربیت کودک و آموختن ادب و آداب به ایشان اهتمام می‏ورزد و توصیه‏های تربیتی بسیاری دراین خصوص درکتب روایی مسلمانان نقل شده است. یکی از آموزه‏های تربیتی پیامبر(ص) درمورد کودکان توصیه به تربیت نیکو و احترام گذاردن به آنهاست. پیامبر می‏فرمایند:«حق فرزند، آن است که نام خوبی برایش انتخاب کند و او را نیکو تربیت کند.» احترام به کودکان و سلام کردن به ایشان سنت حسنه پیامبر بود. انس بن‏مالک روایت می‏کند: هرگاه رسول خدا(ص) در مسیر خود به کودکان می‏رسید به آنها سلام می‏کرد و این عمل را همواره انجام می‏داد. (26) از پیامبر (ص) نقل شده:«به فرزندان خود احترام گذارید و آنها را نیکو تربیت کنید.» نیز روایت شده که پیامبر فرمود:«هیچ پدری چیزی بهتر از تربیت نیکو و هیچ ارثی با ارزشتر از ادب به فرزند خود نداده است.(25)

از دیگر آموزه‏های تربیتی پیامبر(ص) درخصوص تربیت و پرورش کودکان و نوجوانان، مسأله تنبیه و تأدیب فرزندان است. اسلام دین رأفت و رحمت و هدایت است پیامبر اسلام نیز همواره بر تربیت و هدایت درست افراد، تأکید می‏ورزید. ازاین رو، همواره بر تربیت صحیح کودک درمحیط خانواده، ایجاد کانون پر محبت درخانه و مهرورزی به کودکان سفارش و توصیه می‏کرد. از آن جا که افراط و تفریط در محبت، موجب بروز ناهنجاری‏های رفتاری در کودکان می‏شود، پیامبر(ص) توصیه‏هایی برای تعادل بخشی به برخورد عاطفی با کودکان کرده است. رسول اکرم (ص) تنبیه کودک در دوره سیادت را منع کرده و می‏فرماید: فرزندان خود را از سن هفت سالگی به خواندن نماز وادار کنید و در صورت مشاهده تخلف از این تمرین، آنان را از ده سالگی مورد تنبیه قرار دهید. (26)

روان‏شناسان معتقدند: تنبیه و تشویق در کنار هم باید انجام گیرد و تنبیه بدنی همواره باید آخرین راه باشد. در توصیه‏های تربیتی پیامبر(ص) نیز تشویق و تنبیه درکنارهم مطرح می‏شود. پیامبر(ص) والدین را به مدارا با کودکان دعوت می‏کند ومی‏فرماید:«خدا رحمت کند کسی را که در نیک‏رفتاری، فرزند را یاری داد؟ فرمودند: آنچه راکه فرزند او مطابق توانایی‏اش انجام داد از او بپذیرد، از هرچه درعهده توانایی فرزندش نیست صرفنظر کند، او را به طغیان و سرکشی وادار ننماید، به او دروغ نگوید و رفتار نابخردانه درباره او به کار نبرد و بدی‏هایش را عفو کند.» در احکام دینی برای تنبیه کودک حدود و مقررات خاصی درنظر گرفته‏شده‏است. هر تنبیه شدیدی که موجب لطمات جسمی شود مجازات و جریمه مادی دارد. پیامبر(ص) نیز تنبیه را در حد متعادل و محدود توصیه می‏کند.

دوره سیادت و هفت سال آغازین زندگی کودک، دوره‏ای است که کودک بیش از هر زمان دیگری به بازی و نشاط نیازمند است. از دیدگاه روان‏شناسی، فلسفه بازی کردن کودکان، آماده‏سازی آنان برای مواجهه با مشکلات است. به همین دلیل هرچه بازی‏ها گسترده‏تر، پیچیده‏تر و اجتماعی باشد، مصونیت کودکان دربرابر مشکلات و آسیب‏ها بیشتر می‏شود. ازطریق بازی، کودکان به رشد اجتماعی، عاطفی و جسمی متعادلی دست می‏یابند.

در اسلام و آموزه‏های تربیتی پیامبر(ص) به اهمیت بازی و نقش آن در رشد اطفال توجه بسیار شده‏است. پیامبر(ص) تأکید می‏کند: «هرکس کودکی را درکنار است باید با وی چون کودکان هم بازی شود.(28)» ایشان نه تنها سفارش می‏کند کودکان را آزاد گذارید تا بازی کنند، بلکه توصیه می‏کند والدین با فرزندان خود هم بازی شوند. از ایشان نقل شده:«هرکس کودکی دارد باید با او کودکانه رفتار کند.»

والدین ازطریق شرکت در بازی کودکان می‏توانند به تربیت آنان همت گماشته، بسیاری از قوانین، ارزش‏ها و هنجارهای اجتماعی را به کودکان آموزش دهند. از این رو، پیامبر(ص) در بازی‏های کودکانه حسن و حسین(ع) شرکت می‏کرد.

دوران اطاعت یا نوباوگی

روان‏شناسان این دوره را، دوره نوباوگی می‏نامند و براین باورند که دراین سنین کودک از رشد ذهنی و عقلی سریعی برخوردار می‏شود. و از طریق اندیشیدن، آزمایش و خطا می‏تواند مشکلاتش را حل کند. بنابراین، لازم است دراین هفت سال مقدمات آموزش و یادگیری کودکان فراهم گردد و قوانین، مقررات و مهارت‏ها به او آموزش داده شود. علمای تعلیم و تربیت این دوره را بهترین زمان برای آغاز آموزش و سعی کودک می‏دانند. در این دوره رفتار والدین و مربیان با کودک باید به گونه‏ای باشد که او را وادار نماید به تدریج مسیر اطاعت را پیشه کند.

از دیدگاه پیامبر(ص) هفت سال دوم زندگی دوره اطاعت است. دراین مرحله کودک باید مطیع پدر و مادر باشد و توصیه‏های ایشان را تمام و کمال به کار بندد. آموزه‏های تربیتی پیامبر(ص) در دوره ناباوگی بیشتر بر محور آموزش علم، احکام، حرف، فنون و مهارت‏ها به کودکان و وادارکردن آنها به اطاعت از والدین و مربیان دور می‏زند. این مسأله نشانگر وقوف ایشان به رشد عقلی و هوشی کودک دراین دوره است.

پیامبر(ص) توصیه می‏کند: آموزش و علم‏آموزی به کودک در دوران خردسالی و نونهالی انجام گیرد و یکی از حقوق فرزندان بر والدین را آموزش مهارت‏ها و فنون به ایشان می‏داند. و نیز فرموده‏اند: حق پدر بر فرزندش این است که او را سواد، شنا و تیراندازی بیاموزد و جز روزی حلال خوراک او نکند. (29)

روان‏شناسان معتقدند دراین دوره، نهادهای مختلفی نظیر: خانواده، مدرسه و نهادهای مذهبی می‏توانند قواعد اخلاقی را به کودکان آموزش دهند. در احکام دینی و توصیه‏های تربیتی ائمه اسلام نیز به این نکته توجه شده‏است.از پیامبر(ص) نقل شده:«وقتی فرزندانتان به سن هفت سالگی رسیدند به آنها نماز بیاموزید و چون ده‏ساله شدند آنها را بر ترک نماز تنبیه کنید و بسترها را از هم جدا کنید.(3).»

از نظر اسلام و توصیه‏های تربیتی پیامبر(ص) سن نوباوگی مرحله آموزش و اطاعت کودک است دراین دوره کودک نباید به حال خود رها شود. بلکه باید با نظارت بر رفتار وی مسوولیت‏ها و نقش‏های مختلف به او آموخت و با تربیت صحیح کودک، او را برای مرحله وزارت آماده کرد.

دوره وزارت یا نوجوانی

پیامبراسلام(ص) هفت سال سوم زندگی (14-21) سالگی را دوره وزارت، مشورت و رایزنی دانسته و نسبت به برخورد نیکو با نوجوانان توصیه‏های فراوانی کرده‏است. پیامبر(ص) با توجه به حساسیت دوره نوجوانی و جوانی، این دوره را شاخه‏ای از دیوانگی می‏داند و می‏فرمایند:«الشباب شبعه من المجنون»(31) این دوره را به «سکر شراب» تعبیر کرده‏است.

از دیدگاه روانشناسان، دوره نوجوانی با بحران هویت همراه است و فرآیند بلوغ که یکی از بحرانی‏ترین دوره‏های زندگی هر فرد است، دراین سن بروز می‏کند. (32) اهمیت این دوره به حدی است که روان‏شناسان از این دوره به عنوان جنون جوانی یاد کرده و معتقدند نوجوانی دوره بحران هویت، سرکشی، عصیان و مخالفت است. دراین دوره، نوجوان تمایل بسیار به آزادی، استقلال، انتخاب شغل، قبول مسوولیت، تشکیل خانواده، پی‏بردن به ارزش‏های اخلاقی و معنوی دارد و به اندیشه‏های سیاسی، اعتقادات دینی، اخلاقی و مذهبی گرایش نشان می‏دهد. اندیشه نوجوان در این دوره بیشتر بر محور ایدئولوژی دور می‏زند.(33)

آموزه‏ها و توصیه‏های تربیتی پیامبر(ص) و سیره عملی ایشان درخصوص جوانان، در جهت تشویق ایشان به هواهای نفسانی است. پیامبر(ص) با توجه به قدرت درک عمیق جوانان و حافظه و پرهیز از رزایل و هواهای نفسانی است. پیامبر(ص) با توجه به قدرت درک عمیق جوانان و حافظه قوی آنها توصیه می‏کند در جوانی به دنبال کسب علم باشید. از ایشان روایت شده: «هرکس در جوانی دانش آموزد، علم او همچون نقشی است که بر سنگ حک شود و هرکه در بزرگسالی بیاموزد، کارش همچون نوشتن بر روی آب است.»

دوره نوجوانی دوره غلبه هواهای نفسانی است. از این رو پیامبر(ص) همواره جوانان را به عبادت و خودسازی رهنمون می‏ساخت. ایشان می‏فرمایند:«هیچ چیز نزد خدای تعالی محبوب‏تر از جوان توبه‏گر نیست و هیچ چیز نزد خدا منفورتر از پیر پایدار بر گناهش نیست.»(35)

پیامبر(ص) جوانان را تشویق می‏کند عمر خود را صرف عبادت کنند و می‏فرمایند:«خدای تعالی به وجود جوانان عبادت‏پیشه بر فرشتگان می‏نازد.»(36) پیامبر(ص) این دوره را دوره رشد فکری و عقلی نوجوانان می‏داند و بر مشورت با ایشان مشورت کرده، به آنها حق اظهارنظر دهید. سیره عملی پیامبر(ص) در برخورد با جوانان براساس هم رأیی و هم‏اندیشی با ایشان استوار بود. این جوانان بودند که در آغاز رسالتش به گرد او جمع شده، یاری‏اش کردند. پیامبر(ص) نیز همواره از شور، تدبیر و قدرت جوانی آنان در امر تبلیغ اسلام و اداره جامعه اسلامی بهره می‏برد. چنان که درجریان جنگ احد، پیامبر(ص) نظر جوانان را که خواهان خروج از مدینه و جنگ با دشمن در خارج از شهر بودند، بر نظر شیوخ و بزرگانی چون عبدالله بن‏ابی ترجیح داد و رأی جوانان را پذیرفت. این اقدام پیامبر اگرچه شکست مسلمانی را درپی داشت، اما زمینه بلوغ فکری رشد عقلی جامعه را فراهم آورد.

آنچه مسلم است، این است که آموزه‏های تربیتی پیامبر(ص) که تمام مراحل زندگی انسان، از بدو تولد تا زمان مرگ را دربرمی‏گیرد، راهی روشن برای اصلاح یکایک افراد جامعه، در جهت دستیابی به آرمان شهر اسلامی است.

ِ منابع:

1- دلخوشنواز، هاشم، روان شناسی شخصیت کودک و نوجوان، تهران، انتشارات اروند، 1370، ص 7.

2- نجاتی، حسین، رشد از کودکی تا نوجوانی تهران، انتشارات مهشاد. 1373، ص 19.

3- قرآن کریم، سوره موءمنون، آیات 12-14.

4- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران، انتشارات فراهانی، 1355، ص 478.

5- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دارالحدیث، 1377، ص 7079.

6- کتابچی، محسن، فرزند خوشبخت گلی ازگل‏های بهشت، قم، انتشارات هجرت، 1376. ص 100.

7- نجاتی، حسین، روان شناسی رشد از کودکی تا نوجوانی، تهران، انتشارات مهشاد، 1373، ص37.

8- ابن بابویه، شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، 1368، ص4، ج 103.

9- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تهران، انتشارات المکتبه الاسلامیه»، ج 130، ص 237.

10- همان، ج 104، ص 95.

11- همان، ج 5، ص 2081.

12- همان، ج 104، ص 127.

13- کلینی الرازی، محمد بن یعقوب بن اسماعیل، الفروغ من الکافی، مصحح علی اکبر غفاری، بیروت، دارمصعب، دارالتعارف، 1401، ج6، ص 49.

14- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دارالحدیث، 1377، ص 7081.

15- همان، ج 6، ص 49.

16- همان، ج 14، ص 7083.

17- نجاتی، حسین، روان شناسی رشد از کودکی تا نوجوانی، تهران، انتشارات مهشاد، 1373، ص152.

18- محمدی ری شهر، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دارالحدیث، 1377، 14، ص 7089.

19- همان، ج 14، ص 7091.

20- همان، ج 14، ص 7081.

21- قرآن مجید، سوره نحل، آیات 58-59.

22- میزان الحکمه، ج 14، ص 7087.

23- همان، ج 14، ص 7071.

24- همان، ج 14، ص 7083.

25- همان، ج 14، ص 7105.

26- بحارالانوار، ج 104، ص 98.

27- همان، ج 6، ص 50.

28- ابن بابویه، شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، ترجمه علی اکبرغفاری، تهران، نشر صدوق، 1368،ج 5،ص 161.

29- میزان الحکمه، ج 14، ص 7103.

30- همان، ج 6، ص 2047.

31- همان، ج 6، ص 2649.

32- احمدی، احمد، روان شناسی نوجوان و جوانان، تهران، انتشارات ترمه، 1371، ص 17.

33- پارسا، محمد، روان شناسی کودک و نوجوان، تهران، انتشارات بعثت، 1370، ص 216-234.

34- میزان الحکمه،ج 6، صص 2561.

35- همان، ج 6، ص 2653.